

تأملی در آداب و رسوم زرتشتیان ایران^۱

فرزانه گشتاسب^۲

استادیار پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران

چکیده

برخی از آداب و رسوم مردم کنونی ایران، مانند جشن نوروز و چیدن سفره هفت‌سین، چهارشنبه‌سوری و آیین‌های شب عرفه/ علفه در آخر سال، شب یلدا و برخی آیین‌های دیگر، بازمانده آداب و رسوم ایرانیان پیش از اسلام است. بخش مهمی از آیین‌های ایران باستان را جامعه زرتشتیان ایران حفظ کرده‌اند. بنابراین، بررسی آیین‌های ایشان به درک و تحلیل آیین‌های کهن بازمانده از ایران باستان بسیار کمک خواهد کرد. آداب و رسومی که زرتشتیان کنونی به جای می‌آورند، با آنچه که در نوشته‌های فارسی میانه و فارسی زرتشتی آمده است، تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. آدابی که در کرمان و روستاهای مختلف زرتشتی‌نشین یزد رایج است نیز با یکدیگر متفاوت‌اند. در این مقاله مهم‌ترین ارکان مشترک در آیین‌های زرتشتیان کنونی، معرفی و بررسی می‌شود. این ارکان و خرده‌رسم‌ها در بیشتر آیین‌ها ثابت است و به کمک آنها مقایسه آیین‌ها و بررسی دگرگونی و تفاوت آنها امکان‌پذیر می‌گردد.

کلید واژه‌ها

آیین‌های ایران باستان، زرتشتیان، آداب و رسوم، مناسک، سفره، خیرات، گاهانبار.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۴

۲. پست الکترونیک: f_goshtasb@yahoo.com

مقدمه

آداب و رسوم هر جامعه مجموعه‌ای از رفتارهای دینی و غیردینی گروهی از مردم است که به دلیل مشترکات دینی یا ملی گرد هم آمده‌اند و به دلیل زیربنای فکری مشترک، از باورها و رفتاری مشترک پیروی می‌کنند. آن چه که امروز به عنوان آداب و رسوم زرتشتیان باقی مانده است، بازمانده باور و رفتار ملتی بسیار قدیمی است که با پیام آسمانی زرتشت پیامبر هماهنگ، و با شرایط زمانه هم‌ساز گشته است.^۱ برای آیین‌های زرتشتی دو ویژگی مهم می‌توان برشمرد: استمرار آیین در زندگی بهدینان و «دینی بودن» آیین‌های زرتشتی.

استمرار آیین در زندگی بهدینان به این معنا است که زندگی هر فرد زرتشتی از هنگام تولد تا سی سال پس از مرگ و حتی پس از آن، همراه و همگام با آیین‌های دینی به پیش می‌رود. تمامی کارهای روزانه زرتشتیان باید در حصار از کلام مقدس / اوستا محافظت شود: آیین‌های گذار از تولد تا مرگ، که با آداب و نیایش‌هایی ویژه همراه است و به واقع نماد گذر آدمی از حیاتی نخستین، و متولد شدن در حیاتی عالی‌تر است،^۲ تا آدابی که پس از مرگ تن تا سی سال ادامه می‌یابد و برای «روان» فرد که جزئی از «روان جهان» است، برگزار می‌شود.

ویژگی دوم، دینی بودن آیین‌های زرتشتی است. در اینجا منظور نگارنده از دین همان معنایی است که در متون پهلوی در عبارت مشهور «pad dēn paydāg kū» (در دین این‌گونه پیدا است که) یا pad paydāgīh ī az dēn مراد شده است. در این عبارت‌ها، «دین» به متون اوستایی و زند آن (ترجمه و تفسیر متون اوستایی به زبان پهلوی) اشاره دارد که متون دینی زرتشتیان را در دوره‌های مختلف تشکیل می‌داده است. تمام آیین‌های زرتشتی، با نیایش رسمی یا غیررسمی، انفرادی یا گروهی زرتشتیان و موبدان همراه است و این نیایش‌ها مهم‌ترین حلقه پیوند آیین‌های زرتشتی با دین مزدیسنی و اوستا است. حضور دین‌مرد یا موبد، حلقه دیگر پیوند رسوم با دین است و هر جا موبد حاضر نیست، هم‌چون

۱. نک: مزدایور، کتابون، زرتشتیان، تهران، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۱.

۲. الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال سناری، تهران، ۱۳۸۵ش، ص ۱۳۸.

واج نان خوردن، خواندن پیت، نیایش‌های روزانه و نیایش‌های ویژهٔ روزهای عزیز،^۱ بهدین خود، کلام مقدس را برای تقدس بخشیدن به آیین به کار می‌برد. حضور موبد در مرکز آیین، به آن رسمیت و اعتبار ویژه می‌بخشد و رسم را در زمرهٔ رسوم مهم و مقدس دینی قرار می‌دهد.

چنان‌که گفتیم، آداب و رسوم زرتشتی چنان با دین و باورهای دینی گره خورده است که دینی بودن یا غیردینی بودن این رسوم را نمی‌توان وجه تمایز آن‌ها دانست. به همین سبب، پیشنهاد مودی^۲ برای تفکیک رسوم زرتشتی به «مراسم درونی»، یعنی مراسمی که در یزشنگاه و درون آتشکده انجام می‌شود، و «مراسم بیرونی»، یعنی مراسمی که بیرون از آتشکده برگزار می‌گردد،^۳ هم‌چنان بهترین تقسیم‌بندی برای آداب و رسوم زرتشتی به شمار می‌رود.

در مراسم درونی، تمامی تشریفات مانند آماده‌سازی وسایل و پاکیزه کردن آن‌ها، تهیهٔ شیر، عصارهٔ هوم و کارهای دیگر توسط موبد انجام می‌شود، اما در مراسم بیرون از آتشکده تقریباً تمامی مقدمات را مردم عادی فراهم می‌کنند. آنچه که مردم عادی زرتشتی از دوران بسیار دور تا کنون انجام می‌دهند، سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، بی‌آن‌که در جایی به طور دقیق مکتوب شده باشد. در کتاب‌های دینی زرتشتیان، از *اوستا* تا نوشته‌های پهلوی و فارسی زرتشتی، تنها می‌توان به اشاراتی دربارهٔ نیایش‌های مراسم و وظایفی که بر عهدهٔ موبدان بوده است دست یافت و ما نمی‌دانیم که جزئیات این آیین‌ها مانند رعایت پاکی، لوازم سفره و خوراک‌های آیینی که به وسیله مردم عادی حفظ می‌شده، در این چند هزار سال چه ویژگی‌هایی داشته‌است، تفاوت آن‌ها نزد زرتشتیان نقاط مختلف ایران چه بوده است، کدام یک از آن‌ها میراث دوره‌های کهن‌تر به شمار می‌آید و کدام یک از آداب و آیین‌های جوامع دیگر تأثیر پذیرفته است.

۱. برای این آیین‌ها نک: مزداپور، کتایون، «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران»، فرهنگ، س ۱۷، ش ۲، ۱۳۸۳ش، صص ۱۶۵-۱۶۷.

2. Modi, J. J.

3. See: Modi, J.J., *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, Bombay, 1995, p.246.

هر یک از این رسوم را می‌توان «واحدی مستقل» شمرد که از اجزایی مختلف تشکیل شده‌است و تمامی این اجزاء، زیر نام و معنای آن رسم با نظمی معین در کنار هم قرار گرفته و مجموعه واحدی را به وجود آورده‌اند.^۱ برای نمونه، رسم گاهنبار سفره‌ای دارد که خود دارای جزئیات مفصل است. مکان برگزاری، نیایش‌هایی که خوانده می‌شوند، حضور مردم و موبد و ... هر کدام ویژگی‌هایی دارند که خاص این مراسم‌اند. اما همه این اجزاء که شکل ظاهری آیین را به تصویر می‌کشند، زیر نام و معنای رسم گاهنبار، با هم هماهنگ شده و به وحدت رسیده‌اند. در این مقاله تفاوت و دگرگونی آیین‌های زرتشتی با معرفی پنج عنوان اصلی که در همه آیین‌های زرتشتی مشترک‌اند، بررسی و مقایسه می‌شود. این پنج عنوان عبارت‌اند از: سفره آیینی، بوی و برنگ، حضور مردم، داد و دهش و خیرات، و مکان برگزاری آیین. در پایان مقاله، دلایل مهمی که درباره دگرگونی آیین‌ها در طی زمان و نیز تفاوت رسوم نزد زرتشتیان بخش‌های مختلف ایران به نظر نگارنده رسیده است، بیان می‌شود.

۱. سفره آیینی و نمادهای گیتایی امشاسپندان

بنابر اعتقاد زرتشتیان کنونی و نیز همان‌گونه که مستشرقان اشاره کرده‌اند، آنچه بر روی سفره‌های آیینی زرتشتی قرار می‌گیرد، با نمادهای گیتایی امشاسپندان رابطه دارد. بویس^۲ از قول کشاورزی سالمند از اهالی مزرعه‌کلانتر، رستم بلیوانی از شریف‌آباد و دستور خسرو جمشید موبد از یزد، درباره حضور نماد امشاسپندان در آیین‌های زرتشتی چنین گزارش کرده است: موبد و اوستایی که او می‌خواند به اورمزد، شیر به بهمن، آتش به آردیبهشت، ظرف‌های فلزی به شهریور، زمینی که سفره آیینی بر آن گسترده می‌شود و موبد روی آن می‌نشیند به سپندارمذ، آب به خرداد، نان و میوه‌ها به آمرداد تعلق دارند.

۱. مزداپور، کتابون، «تداوم آداب کهن ...»، ص ۱۴۷.

2. Boyce, M., *A Persian Stronghold of Zoroastrianism*, Oxford, 1977, pp.51-52.

چون گاهنبارها جشن بزرگداشت آفرینش اهورامزدا به شمار می‌آیند^۱، این نمادها به ویژه در سفرهٔ گاهنبار به طور کامل وجود دارند. از میان این نمادها، آتش و آب در تمام آیین‌های شادی و سوگواری حاضر است، حتی در گاهنبار توجی^۲ که در واقع مراسم جشن خوانی است و به قول بانو پشتون «شیر و شراب و میوه و بوی و بزرنگ واجب نیست»، آتش و آب پاک حتماً باید وجود داشته باشد.^۳

«آفرینگان آتش» یا آتشدان، از آغاز مراسم روی همهٔ سفره‌های آیینی قرار دارد و هنگامی که نیایش پایانی مراسم، یعنی «همازور دهمان»^۴ خوانده می‌شود، موبد «بوی خوش» روی آتش می‌ریزد و دهموبد، آفرینگان را میان مردم می‌گرداند و همهٔ حاضران با گفتن «همازور بیم»، دست‌ها را به سوی آفرینگان باز می‌کنند و سپس روی صورت می‌کشند و با این حرکت نمادین با موبدی که مراسم را به جای آورده و زوهر برای

۱. بر اساس متون پهلوی، گاهنبارها جشن‌هایی برای بزرگداشت آفرینش جهان مادی است. در کتاب بندهش آمده است که اورمزد «شش آفرینش مادی را به شش گاه گاهنبار آفرید، به سالی که سیصد و شصت و پنج روز به شمار است و دوازده ماه، هر ماهی سی روز و یک ماه سی و پنج روز» (فرنیغ دادگی، بندهش، ترجمهٔ مهرداد بهار، تهران، ۱۳۶۹ش، ص ۴۱). نام این شش گاهنبار به این ترتیب است: میدیوزرم (اوستایی: *maiđyōi.zarəməya-*)، میدیوشهٔم (اوستایی: *maiđyōi.šam-*)، پیتی شهٔم (اوستایی: *paiti.š.hahya-*)، آیسرم (اوستایی: *ayaθrima-*)، میدیاریم (اوستایی: *maiđyāirya-*)، همس پت میدیم (اوستایی: *hamaspaθmaēdaya-*).

۲. گاهنبار توجی معمولاً خیراتی همگانی است که با مشارکت و همکاری تعدادی از زرتشتیان در یک مکان عمومی مانند گاهنبارخانه یا درب‌مهر، و در زمانی به جز زمان برگزاری شش گاهنبار اصلی، که گاهنبار «چهره» یا «بزرگ» نامیده می‌شود، برگزار می‌گردد. مراسم این گاهنبار از گاهنبار بزرگ مختصرتر است.

۳. گفتگوی نگارنده با شادروان بانو پشتون ۸۷ ساله از یزد، در سال ۱۳۸۷ش.

۴. «همازور» نام دیگر دعایی است به زبان پازند، که در کتاب *خرده/وستا* «آفرین» هم نامیده شده است. «همازور دهمان» یا «آفرین دهمان» نام دیگر «آفرین همکاران» است که در آن، امشاسپندان همراه با همکارانشان ستوده می‌شوند و به همین دلیل آن را «آفرین هفت‌امشاسپند» نیز می‌نامند. در آفرین دهمان، نام افراد آشو و پرهیزکار از کیومرث تا اسفندیار از نسل کیانیان ذکر شده است. این آفرین را می‌توان به تنهایی و در همهٔ آیین‌ها به جای آورد، اما معمولاً بعد از آفرین آردافروش و آفرین همکاران در مراسم درگذشتگان و نیز در جشن‌های ماهیانه و مراسم ویژهٔ فروشی‌ها خوانده می‌شود. نک:

Kotwal, F.M & J.W. Boyd, "Āfrīn", *Encyclopedia Iranica*, Ehsan Yarshater(ed.), California, 1985, vol.1, pp.580-581.

اهورامزدا و جلوه‌های مادی و مینوی او پیشکش کرده‌است، هم‌زور (= هم‌زوهر) می‌شوند. آتشی که در تمام آیین‌های نیایش‌خوانی مانند گاهنبار، فروردیگان، مراسم درگذشتگان و سده تقدیس می‌شود، پس از مراسم به آتشکده برده و با آتش مقدس هم‌پیوند می‌شود. این مراسم هنوز در روستاهای قدیمی مانند مزرعه‌کلانتر و شریف‌آباد برای آتش‌آخرین شب پنجه انجام می‌شود،^۱ ولی برای مراسم دیگر مانند گاهنبار و مراسم درگذشتگان از یاد رفته است.

آبی که برای سفره آیینی به کار می‌رود، حتماً باید پاک و دست‌نخورده باشد، کسی از آن نچشیده باشد و از محلی پاک مانند جوی آب روان یا قنات تهیه شده باشد. پیشتر ظرف آب را سه بار با خاکستر و سپس با آب می‌شستند تا پاک باشد. امروزه از آب لوله‌کشی استفاده می‌شود، ولی هنوز هم سالخوردگان ساکن روستاها، ظرف را سه بار با آب می‌شویند و سپس آن را پر از آب می‌کنند و بر سفره می‌گذارند. ظرف آب پاک در قدیم حتماً «روزین»^۲ بود که امروزه فقط نزد قدیمی‌ها پیدا می‌شود. نسل جدید آب را در لیوان یا ظرف‌های شیشه‌ای، چینی یا استیل هم می‌ریزند. در کنار آب ساده، در بعضی از روستاها در مراسم گاهنبار و درگذشتگان، شربت (آب همراه با شکر و گلاب و تخم شربتی) هم می‌گذارند. برخی برای مراسم درگذشتگان چای بر سفره قرار می‌دهند که رسمی جدید به نظر می‌رسد. در کرمان، برای مراسم گاهنبار روی آب ساده و پاک برگ‌های آویشن و گل سرخ می‌ریزند که ویژه جشن‌ها و شادی‌ها و نشانه خوش‌یمنی است.^۳ در مراسم جشن و شادی مانند عروسی، سدره‌پوشی و نوروز، به جای آب ساده، گلاب استفاده می‌شود و همه کسانی که در این آیین‌ها شرکت دارند، پس از مراسم دست و صورت خود را با گلاب معطر می‌کنند و شربت گلاب می‌نوشند.

۱. برای شرح مراسم پنجه در روستای شریف‌آباد. نک:

Boyce, M., *A Persian Stronghold...*, pp. 212-226.

۲. این ظروف از فلزی بسیار سبک از جنس آلیاژی از روی ساخته می‌شدند. در قدیم تنها از ظرف‌های روزین یا مسین برای خوراکی‌های گاهنبار استفاده می‌کردند و آب و شراب را حتماً در کاسه روزین می‌ریختند و برای بقیه چیزها ظروف مسی به کار می‌بردند، زیرا به قول فیروزه صنمی این نوع ظرف‌ها پلشتی (ناپاکی) به خود نمی‌گیرد (گفتگوی نگارنده با فیروزه صنمی ۷۲ ساله از یزد، در سال ۱۳۸۷ش).

۳. گفتگو با شادروان ته‌مینه ته‌متنی، ۸۵ ساله از کرمان، در سال ۱۳۸۷ش.

ظرف‌هایی که در قدیم برای سفره‌های آیینی استفاده می‌شد، حتماً از جنس مس یا آلیاژ روی بود.^۷ بهدینان می‌گویند: «ظرف روزین و مسین پاک است و ناپاکی را به خود نمی‌گیرد». آب و شراب را حتماً در ظرف روزین می‌ریختند و میوه و خوراکی‌های دیگر را در سینی و ظرف‌های مسین قرار می‌دادند. باور به پاک بودن فلزات نسبت به جنس‌های دیگر در *شایست‌ناشایست* نیز آمده است: «زر با یک بار شستشو، سیم با دو بار، آهن با سه بار، فولاد با چهار بار، سنگ با شش بار شستن، از آلودگی نسا پاک می‌شود».^۱

میوه‌هایی که به یاد نماد گیتایی امشاسپند آمداد بر سفره قرار داده می‌شود، معمولاً میوه‌های فصل است. بویس از قول بهدینان اشاره می‌کند که انار و به باید حتماً در سفره باشد.^۲ زرتشتیان ایران به این میوه‌ها «وَدَرین» (دری زرتشتی: *vadrin*) می‌گویند.^۳ به جز میوه‌های تازه، یک سینی شامل هفت گونه میوه خشک نیز در سفره‌های آیینی زرتشتیان وجود دارد که «لُرك» (دری زرتشتی: *lork*) نامیده می‌شود. لُرك جز آن که نماد آفرینش گیاهی بر سفره است، خیرات اصلی بیشتر آیین‌ها مانند گاهنبار، مراسم درگذشتگان و جشن‌ها را تشکیل می‌دهد و به این دلیل که با کلام *اوستا* تقدیس می‌شود، سپندینه و برکت‌بخش نیز هست. بویس از قول موبد خداداد نیروسنگی نقل می‌کند که لُرك باید شامل این میوه‌های خشک باشد: سنجد، خرما، کشمش، گردو، بادام، زردآلوی خشک، آلو و توت. به نظر او سنجد بسیار مهم است و حتماً باید در لُرك باشد، شاید به این علت که درختان سنجد در کنار هر نهر آب روان رشد می‌کند و میوه‌های بسیار می‌دهد.^۴

لُركی که در مراسم جشن و شادی مانند عروسی و سدره‌پوشی استفاده می‌شود، با لُرك گاهنبار و مراسم درگذشتگان اندکی متفاوت است و در آن نقل و شیرینی سفید هم می‌ریزند. امروزه در لُرك مراسم شادی به جای خشکبار خام، از بادام و پسته بوداده استفاده می‌کنند و انواع نقل‌ها و شیرینی‌ها را نیز به آن می‌افزایند. زرتشتیان کرمان لُرك‌های عروسی

۱. نک: *شایست‌ناشایست*، ترجمه کتایون مزداپور تهران، ۱۳۶۹ش، صص ۳۹-۴۰.

2. Boyce, M., *A Persian Stronghold...*, p.41.

۳. سروشیان، جمشید، فرهنگ بهدینان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۵۶ش، ص ۱۷۱؛ نیز:

Boyce, M., *A Persian Stronghold...*, p.39.

4. Ibid, p.38.

و سدره‌پوشی را با بادام و پسته پوست گرفته که با محلول شکر غلیظ آمیخته و خشک کرده‌اند، تزئین می‌کنند.

نان تازه از جزئیات ضروری سفره‌های آیینی است. برخاستن بوی نان تازه به‌ویژه در مراسم درگذشتگان و هنگام یاد کردن از فروشی ایشان نقش مهمی دارد. برای آن‌که نان بوی بهتر و بیشتری داشته باشد، روی آن سبزی‌های معطر و دانه‌های خوش‌بو مانند کنجد، بادامون (رازیانه)، سیاه‌دانه و گل‌خشت می‌ریزند. در مراسم فروردیگان که جشنی مهم برای استقبال و یادبود فروشی درگذشتگان است، چند نوع نان گوناگون مثل نان آگنجّه، نان پی‌پیاز و نان شیر می‌پزند،^۱ که بسیار خوش‌بو و خوش‌طعم است. برای سفره آیینی حتماً نان کامل و بزرگ تهیه می‌شود و نانی که برای خیرات می‌پزند، معمولاً نانی کوچک، تقریباً نصف نان بزرگ، به نام «لووگ» (دری زرتشتی: luwog) است. لووگ را حدود صد سال پیش، از جو درست می‌کردند، ولی در دوره متأخر تمامی آن‌ها از آرد گندم پخته می‌شود. بویس معتقد است در ایران لووگ جایگزین نان «درون» شده است که به اندازه کلوچه‌های کوچک و بدون خمیرمایه تهیه می‌شد و سنت پختن آن در مراسم آیینی فراموش شده بود.^۲ «کماج» نیز نوعی نان است که برای سفره‌های آیینی حتماً فراهم می‌شود و در جشن‌ها، مانند نوروز و مهرگان، کماج را شیرین‌تر و با گلاب و هل آن را خوش‌طعم‌تر می‌کنند.

شاخه‌ای از گیاهان همیشه سبز، مانند مورت و سرو، از دیگر نمادهای آفرینش گیاهی در سفره است. این دو گیاه نزد زرتشتیان نماد سرسبزی و زندگی جاودانی است، اما کاربرد آن‌ها در مراسم تفاوت دارد. در جشن و شادی معمولاً از سرو، و در مراسم درگذشتگان از شاخه‌های مورت استفاده می‌شود. سبز کردن دانه نیز همین معنا را دارد و به یاد امشاسپند آمداد سبز می‌شود. قدیمی‌ها هنوز هفت دانه را به یاد هفت امشاسپند در ظرفی پاک برای

۱. برای نان آگنجّه گوشت و پیاز را با خمیر نان مخلوط می‌کنند و نان پی‌پیاز را با پیه گوسفند و پیاز می‌پزند. در نان شیر نیز به جای آب، از شیر برای درست کردن خمیر نان استفاده می‌شود. این نان‌ها خاص مراسم پنجه آخر سال و مراسم درگذشتگان‌اند. برای آگاهی بیشتر نک: سروشیان، مهوش، «خوراک‌های آیینی و سنتی زرتشتیان در ایران»، سروش پیر مغان، یادنامه جمشید سروشیان، به کوشش کنایون مرداپور، تهران، ۱۳۸۱ش، صص ۶۴۵-۶۴۷؛ نیز:

Boyce, M., *A Persian Stronghold...*, pp.220-222.

2. Ibid.

همه گاهنبارها، جشن رَپیتوین، هَفْدُرو، سی‌روزه و سالگرد درگذشتگان سبز می‌کنند، که به آن «شِشَه» می‌گویند. سبز کردن سبزه برای نوروز هم بی‌تردید روزی همان سبز کردن سبزه برای جشن رَپیتوین و هَفْدُرو بوده است،^۱ اما بعدها به دلیل فاصله گرفتن تقویم بدون کیسه از روزهای آغازین بهار و سال نو، در اجرای این رسم تفاوت‌هایی پیدا شد. اکنون به‌دینان تنها برای پنجه و هَفْدُرو شِشَه سبز می‌کنند و در نوروز و آغاز بهار تنها یک نوع دانه می‌کارند. تره‌تیزک را به خاطر بوی خوش آن، معمولاً برای پنجه و سفرهٔ درگذشتگان و اغلب بر روی تنگ سفالی سبز می‌کنند، ولی سبزهٔ نوروزی گندم یا ماش و عدس است و تره‌تیزک قطعاً نیست.^۲

در کنار شیر که نماد آمشاسپند بهمن و آفرینش چهارپایان است، تخم‌مرغ هم در سفره‌ها می‌گذارند. در ودرینی که برای مراسم «درون» گاهنبار تهیه می‌شود، به تعداد آفرینگان‌ها تخم‌مرغ می‌گذارند. تعداد تخم‌مرغ‌ها در مراسم درگذشتگان نیز مهم است، مثلاً در کرمان رسم است که برای مراسم سی‌روزه سی تخم‌مرغ، بیست‌وسه تا خام و هفت تا پخته و رنگ شده و برای مراسم ماهیانهٔ روزه^۳ تنها سه تخم‌مرغ می‌گذارند.^۴

زمین به عنوان نماد آمشاسپند سپندارمذ، سفره و پذیرای مهربان و فروتن همهٔ این گیاهان، میوه‌ها، نوشیدنی‌ها و خوراکی‌ها است. در هر مراسمی که برای فروشی درگذشتگان برپا می‌شود، برای استقبال از روان درگذشته، سفره‌ای سفید بر روی زمین گسترده می‌شود، با این باور و آرزو که روان درگذشتگان هم‌چون رنگ سفید این سفره، رنگ لباس سفیدی که بازماندگان پوشیده‌اند و رنگ سفیدی که بر دیوار و زمین خانه پاشیده شده است، پاک و

۱. برای آگاهی از فلسفهٔ برگزاری و مراسم جشن رَپیتوین و هَفْدُرو نک: فرزانه، گشتاسب، «گاه رَپیتوین، زمان آرمانی در دین مزدیسنی»، *زبان‌شناخت*، س ۲، ش ۲، ۱۳۹۰ش، صص ۲۵-۳۷.
 ۲. مزدپور، کتابون، «تداوم آداب کهن...»، ص ۱۶۹؛ نیز نک: گشتاسب، فرزانه، «بررسی چند واژهٔ آیینی در آداب و رسوم دین مزدیسنی»، *نامهٔ انسان‌شناسی*، س ۹، ش ۱۵، ۱۳۹۰ش، صص ۱۲۹-۱۳۱.
 ۳. سی‌روزه مراسمی است که در روز سی‌ام درگذشت هر فرد برگزار می‌شود و روزه مراسمی است که تا یک‌سال هر ماه در روز درگذشت فرد برگزار می‌گردد.
 ۴. کرمانی‌ها تخم‌مرغ‌ها را در آب با پوست پیاز و زردچوبه می‌جوشانند تا پوست آن رنگین شود (گفتگو با تهمینه تهمتی).

آشو باشد.^۱ پس در روزهای «فروردیگان» (گاهنبار ششم) و مراسم درگذشتگان، بعد از سی‌روزه، همه چیز روی سفره‌ای سفید چیده می‌شود، اما در پنج چهره دیگر گاهنبار، که هم به یاد درگذشتگان و هم برای تندرستی فرزندان زنده ایشان برگزار می‌شود، همه چیز را در سینی یا ظرف‌های دیگر، روی زمین خالی یا روی فرش که بر زمین گسترده است، می‌گذارند. در گاهنبارهای کرمان ظرف‌های روزین شیر، آب و شراب را روی سنگ‌هایی که ویژه مراسم است، قرار می‌دهند.

۲. بوی و برنگ

این اندیشه و آرزو که بوی خوش خوراکی‌ها و میوه‌هایی که از وسط به دو نیم شده، چوب صندل و دانه‌های رازیانه‌ای که بر روی آتش در حال سوختن است و بوی شیشه و دانه‌های تره‌تیزک که در حال سبز شدن است، سبب شادی روان درگذشتگان می‌شود، در اندیشه و سنتی باستانی ریشه دارد. آرزوی بازماندگان برای آن که روان درگذشتگان پس از گذر از جهان خاکی، در آرامش و شادی و در بوی خوشی که از سوی جنوب می‌وزد، به سر برند، با بیانی نمادین در هادخت نسک / اوستا آمده است. آرزویی مینوی که درآیین‌ها و مناسک زرتشتی، با فراهم آوردن فضایی آکنده از بوی خوش نعمت‌های زمینی، متجلی، و به رفتاری آیینی و مهم تبدیل شده است:

«زمانی که سومین شب روشن شود، روان مرد پرهیزکار احساس روشن شدن می‌کند و احساس می‌کند که از میان گل‌ها و بوی‌های خوش گذرانده می‌شود. به نظرش می‌رسد که بادی از نیمه جنوبی، از جنوبی‌ترین نیمه بر او وزان است، خوش‌بو، خوش‌بوتر از دیگر بادها...»^۲

۱. برای آگاهی بیشتر از باور زرتشتیان درباره آیین‌های درگذشتگان نک: مزداپور، کتیون، «نیایش برای درگذشتگان»، سروش پیر مغان، یادنامه جمشید سروشیان، به کوشش کتیون مزداپور، تهران، ۱۳۸۱ش، صص ۳۶۶-۳۸۰؛ همو، زرتشتیان، صص ۱۵۲-۱۵۸؛ گشتاسب، فرزانه، «ستایش زندگی، آیین درگذشتگان و باور مزدیسنان»، فروهر، س ۴۶، ش ۴۵۲، ۱۳۹۱ش، صص ۱۰-۱۳.

۲. هادخت نسک، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، ۱۳۸۶ش، ص ۶۲.

بوی و برنگ شامل سه چیز است: سیروسیداب، سیروگ^۱ و تخم مرغی که در روغن سرخ شده است. قدیمی‌ها اصرار داشتند که بوی و برنگ را زنی آماده کند که مراسم نُشوه را به جای آورده است و دارای تن و روانی بسیار پاکیزه است.^۲ تهیه‌ی موادی که برای بوی و برنگ به کار می‌رود، نیز بر عهده‌ی فردی زرتشتی است که اصول پاکی آیینی را رعایت می‌کند.^۳ رسم رایج این است که نان‌ها و خوراکی‌های دیگر را، پیش از آغاز مراسم نیایش‌خوانی آماده می‌کنند و بر سر سفره می‌گذارند، اما برای تهیه‌ی بوی و برنگ، درنگ می‌کنند تا موبد آفرینگان‌خوانی را آغاز کند. این رسم هنوز پابرجاست، تنها با این تفاوت که معمولاً سیروگ‌ها را قبل از مراسم تهیه می‌کنند و سیروسیداب را حتماً هنگام آفرینگان‌خوانی می‌پزند و بر سر سفره می‌آورند. در قدیم برای گاهنبارها به تعداد آفرینگان‌ها بوی و برنگ تهیه می‌شد، ولی اکنون چون به مرور زمان تعداد آفرینگان‌ها برای برخی گاهنبارها بسیار زیاد شده است و امکان برگزاری مثلاً بیست و هفت آفرینگان در یک چهره‌ی گاهنبار وجود ندارد، روش‌های گوناگونی برای برگزاری گاهنبارهای چند آفرینگانی در روستاهای مختلف ابداع شده است.

۱. سیروگ (دری زرتشتی: sirog, surog, siru)، نام نوعی نان است که در روغن سرخ می‌شود و یکی از اجزای مهم بیشتر آیین‌های زرتشتی است (برای روش پخت آن نک: سروشیان، مهوش، «خوراک‌های آیینی...»، صص ۶۳۶-۶۳۷).

2. Boyce, M., *A Persian Stronghold...*, p. 42.

۳. «پاک» یا «پاکی» واژه‌ای آیینی است و شرایطی را توصیف می‌کند که افراد برگزارکننده‌ی آیین (هم موبدان و هم مردم عادی) باید آن را رعایت کنند تا نیایش‌هایشان درست و پذیرفته باشد. اصطلاح «پاک بودن» نزد زرتشتیان امروز احتمالاً معادل اصطلاح «نابریوان» در پهلوی، «راستان» در شاهنامه و آشو (اوستایی: ašavan-) در اوستای متأخر است نک: شایست ناشایست، ص ۱۹۶). «پاک بودن» هم امری درونی و مینوی است که با خواندن اوستا و نیایش اهورامزدا به دست می‌آید و نمادهای آن خوردن نوشیدنی‌ها و خوردنی‌های متبرک مانند پراهوم، نیرنگ، درون یا میوه است، و هم امری بیرونی یا جسمی است که با پاک نگه داشتن تن و شستشوی آیینی آن، حفظ می‌شود. در قدیم کسی که خوراک‌های آیینی مراسم را تهیه می‌کرد، معمولاً کسی بود که مراسم «نُشوه» (شستشوی آیینی) را به جای آورده بود (Boyce, M., *A Persian Stronghold...*, p. 42). پاکی بیرونی را باید در رابطه با وسایل و لوازم آیینی نیز به دقت رعایت کرد، به این معنی که آب، شراب، شیر، میوه‌ها، آردی که برای پختن نان و سیروگ استفاده می‌شود و تمامی ظروف باید از نظر آیینی پاک باشند.

در گاهنبارهای توجی^۱ که به نیت شادی و تندرستی زندگان خوانده می‌شود، به جای سیروسداب، خوراکی به نام «شوربای سروش‌ایزد» درست می‌کنند که در آن سیر و گیاه سداب استفاده نمی‌شود و به جای سرکه، برای ترشی آن، آب غوره یا آب انار به کار می‌برند. دلیل آن احتمالاً این است که سیر، سداب و سرکه، به دلیل بوی تندى که دارند به مراسم درگذشتگان اختصاص یافته‌اند و در مراسم زندگان استفاده نمی‌شوند. سیروگ نیز اگر به مناسبت شادی و جشن تهیه و خیرات شود، روی آن شکر، پودر پسته و هل می‌ریزند، در حالی که برای مراسم درگذشتگان سیروگ را ساده و بدون شکر بر سفره می‌گذارند.

۳. مردم و گردهمایی

حضور مردم و هم‌زوری با موبدی که نیایش‌های اصلی مراسم را به جای می‌آورد، از دیگر اجزای رسوم زرتشتی است. در رسم گاهنبار، حضور مردم اهمیتی ویژه دارد. زرتشتیان همیاری و شرکت در گاهنبار را امری واجب به شمار می‌آورند و تمامی صاحب‌خیران و برگزارکنندگان گاهنبار، در خانهٔ خود را به روی همه باز می‌گذارند و حضور هر چه بیشتر هم‌کیشان را مایهٔ برکت و افزونی خانهٔ خویش می‌دانند.

در کتاب‌های پهلوی نیز به این باور بسیار قدیمی اشاره شده است. بنابر متن *نیرنگستان*، گاهنبار تنها مراسمی است که تعداد مردمی که در آن شرکت می‌کنند، از تعداد مراسم مهم‌تر است^۲ و برگزاری گروهی و دسته‌جمعی گاهنبار، برای تک‌تک برگزارکنندگان کرفهٔ بسیار به همراه دارد.^۳

در این مورد جشن رپیتوین را نیز باید به شش چهرهٔ گاهنبار افزود. ویژگی خاص مراسم رپیتوین که اکنون در روزهای آغازین فروردین، تنها به وسیلهٔ پارسیان برگزار می‌شود، این است که آیین یسنا، به نام و برای «همهٔ جامعه زرتشتی» خوانده می‌شود و

۱. نک: همین مقاله، ص ۱۶۱.

2. Kotwal, F.M. & P.G. Kreyenbroek, *The Hērbedestān and Nērangestān*, (3 vols), Paris, 1992-2003, vol.2, pp.30, 32.

3. *Ibid*, vol.3, pp.62,182.

موبدان نیز همگی با هم یسنای رپیتوین را به جای می‌آورند.^۱ بعد از مراسم یسناخوانی، آیین آفرینگان‌خوانی در سالنی عمومی برگزار می‌شود که همهٔ بهدینان در آن شرکت می‌کنند.^۲ در ایران نیز، زمانی که هنوز این رسم پابرجا بود، همهٔ بهدینان برای مراسم این جشن که روز ششم فروردین برگزار می‌شد، «وَدَرین» به خانه موبد یا گاهنبارخانه می‌بردند و بعد از پایان مراسم، بخشی از آن را به عنوان «لِقمهٔ رپیتوین» به خانهٔ باز می‌گرداندند. هم‌چنین در طی سه تا پنج روز نخست ماه فروردین، همهٔ زرتشتیان با نیایش اهورامزدا و «روزهٔ رپیتوین» به استقبال این ایزد می‌رفتند.^۳

به نظر نگارنده، حضور یکپارچه و همگانی مردم با فلسفهٔ جشن‌های گاهنبار و رپیتوین، یعنی جشن‌هایی که برای یادآوری هفت آفرینش اهورامزدا برپا می‌شود، ارتباط دارد. جشن‌هایی که به مناسبت دهش و آفرینش اهورامزدا، به عنوان یک بخشش و لطف عام برگزار می‌شود، حضور همهٔ مردم را نیز می‌طلبد، در حالی که برای آیین‌های دیگر مانند آیین درگذشتگان، تعداد مردمی که در رسم شرکت می‌کنند به اندازهٔ تعداد مراسم اهمیت ندارد.^۴

امروزه نیز زرتشتیان، مراسم درگذشتگان خود را با حضور خویشاوندان و اقوام برگزار می‌کنند و بسیاری از بهدینان، پس از سال اول، سالگردهای دیگر را به طور خصوصی در خانهٔ درگذشته برپا می‌دارند یا از موبد می‌خواهند که مراسم را در درب‌مهر یا خانهٔ خود به جای آورد.

۴. داد و دهش و خیرات

داد و دهش و خیرات یکی از ویژگی‌های مهم مراسم زرتشتی است. زرتشتیان چه در شادی و چه در سوگواری، چه در آئین‌های رسمی و واجب مانند گاهنبار، فروردیگان و

1. Boyce, M., "Rapithwin, Nō Rūz and the Feast of Sade", *Pratidānam, Studies Presented to F.B.J. Kuiper, J.C. Heesterman et al. (eds)*, The Hague, 1969, pp.205-206.

2. Ibid, p.208.

۳. مزدایور، کنایون، «تداوم آداب کهن...»، ص ۱۵۶؛ نیز:

Boyce, M., *A Persian Stronghold...*, pp.229-235.

4. Kotwal, F.M. & P.G. Kreyenbroek, vol.2, pp.30,32.

آیین درگذشتگان و چه در مراسم خصوصی و غیرواجب مانند نذرها، جشن‌ها و زیارت مکان‌های مقدس، سفره داد و دهش می‌گسترند و اگر مناسبت آیینی وجود نداشته باشد، به انجمن‌ها و سازمان‌ها یاری می‌رسانند تا در کار خیر ایشان هم‌بهره و هم‌یار شوند. نمونه‌ای از داد و دهش همگانی، مراسم درگذشت اشوزرتشت است که در روز خور و ماه دی (پنجم دی‌ماه بنا بر تقویم رسمی) برگزار می‌شود و خیرات آن با هماهنگی انجمن زرتشتیان هر شهر، و با کمک و همت مادی و مینوی زرتشتیان تهیه می‌شود.^۱

امروزه تعداد داد و دهش‌های عام و بزرگ، که به مناسبت جشن‌ها یا گاهنبارها برگزار می‌شود، در حال افزایش است. حتی برخی از بهدینان هزینه برگزاری سالگرد درگذشتگان خود را به انجمن‌ها یا سازمان‌ها می‌بخشند تا صرف امور خیریه یا فرهنگی شود.

در آفرینگان گاهنبار در *خرده‌وستا*، دهش و خیرات به معنای هرگونه هدیه مادی و مینوی، امری واجب و به عنوان «میزد برای گاهنبار» به شمار آمده است.^۲ در ترجمه پهلوی همین آفرینگان آمده است که میزدی که ما دهش می‌کنیم، تکرار همان میزدی است که اهورامزدا در ازل پیشکش کرد، پس از آن که برای هر مرحله آفرینش گاهنباری به جای آورد.^۳

واژه دهش درباره کردار خداوند، اشاره به آفرینش اهورایی او دارد و زرتشتیان در هریک از چهره‌های گاهنبار، با یادآوری بخشش خداوند، سفره‌ای نمادین به یاد هفت آفرینش اهورامزدا می‌گسترند و به یاد دهش خداوند، به دهش و خیرات می‌پردازند. اهمیت میزد برای جشن‌های گاهنبار چنان بوده است که در *نیرنگستان*^۴ برای تفسیر عبارت *mēzd* *rōz* یعنی «روز میزد» واژه «گاهنبار» برگزیده شده است.^۵ در *شایست‌ناشایست* نیز گاهنبار نوعی میزد شمرده شده است. هم‌چنین در نوشته‌های متأخرتر مانند *روایات داراب هرمزیار*

۱. نک: مزدپور، کتیون، «تداوم آداب کهن...»، ص ۱۵۴.

۲. نک: پورداد، ابراهیم، *خرده‌وستا*، بمبئی، ۱۳۱۰ش، صص ۲۳۹-۲۴۰.

3. Dhabhar, B. N., *Zand-i Khūrtak Avistāk*, Bombay, 1927, pp.150-159.

4. Kotwal, F.M. & P.G. Kreyenbroek, vol.3, pp.27, 278.

۵. *شایست‌ناشایست*، ص ۱۵۸.

سفارش بر این است که بهدینان، هر ماه در روزهای مهر، رشن، بهرام، آشتاد و آنارام «میزد کنند» و سفره داد و دهش و خیرات بگسترند.^۱

۵. مکان برگزاری مراسم

مکانی که مراسم در آن برگزار می‌شود، از جزئیات دیگر هر رسم است. رسم‌هایی مانند یسنا، ویسپرد، وندیداد و واج را حتماً باید در درمهر یا یزشنگاه به جای آورد و رسم‌های دیگر مانند آفرینگان، فروخشی (فروردین‌یشت) و ستوم^۲ را می‌توان در سالن عمومی یا خانه هم برگزار کرد. پارسیان رسم‌های نخست را «مراسم درونی» و رسم‌های گروه دوم را «مراسم بیرونی» می‌نامند.^۳

بهدینان ایران یکی از صفت‌های خانه به نام «پسکم مس» را برای مراسم بیرون از آتشکده، که در خانه انجام می‌شود، اختصاص داده‌اند.^۴ ابعاد این صفت، بزرگ‌تر از صفت‌های دیگر خانه نیست. آن را پسکم مس، یعنی «بزرگ» می‌نامند، چون مراسم دینی در آن انجام می‌شود و به همین سبب مکانی مهم و مقدس به شمار می‌رود. این صفت همیشه رو به شرق ساخته می‌شود. این نکته را زرتشتیان در ساخت مکان‌های آیینی دیگر مانند درمهر و دخمه نیز رعایت می‌کنند، چون مشرق و محلی که نخستین پرتوهای نور از آن جا طلوع می‌کند، یکی از رموز مهم در باورهای دین مزدیسنی است.

در دوره‌های متأخر، برخی از زرتشتیان یکی از اتاق‌های خانه را به برگزاری مراسم دینی اختصاص داده‌اند، چون مراقبت از پاکی یک اتاق در بسته، نسبت به یکی از صفت‌های خانه راحت‌تر است. این اتاق «اتاق پاک» (دری زرتشتی: gōnze-y paki) نام دارد.

1. *Darab Hormozyar's Rivayat*, M.R. Unvala (ed.), Bombay, 1922, vol.1, p.361.

۲. نام مراسم ستوم، از واژه اوستایی *staomī* آمده است که واژه آغازین در هات ۲۶ یسنا است. در این مراسم هات بیست و ششم یسنا که پارسیان آن را «کرده ستوم» می‌نامند، همراه با دیباچه‌ای به زبان پازند خوانده می‌شود. این نیایش را معمولاً برای تقدیس خوراکی‌ها در مراسم درگذشتگان به جای می‌آورند.

3. Modi, J.J., pp. 247, 354.

۴. خانه‌های زرتشتیان در یزد و کرمان معمولاً دو یا چهار صفت دارد که یکی از آنها ویژه برگزاری آیین‌های دینی است و پسکم مس نامیده می‌شود. برای آگاهی از معماری خانه‌های زرتشتیان در یزد، نک:

Boyce, M., "The Zoroastrian Houses of Yazd", *Iran and Islam: In Memory of V. Minorsky*, C.E. Bosworth (ed.), Edinburgh, 1971, pp.125-147.

بهدینان از پسکیم مس یا اتاق پاک برای کارهای روزمره استفاده نمی‌کنند، در آن خوراک نمی‌خورند، مبادا غذای «پرنگین»^۱ و دهان‌زده در این مکان پاک بریزد. آنان هم‌چنین از رفت‌وآمد کسانی که به جهت آیینی پاک نیستند، به این مکان‌ها جلوگیری می‌کنند. این همه مراقبت و دقت برای مکانی است که مراسم بیرون از آتشکده در آن انجام می‌گیرد. برای مراسم درونی که از نظر آیینی بسیار مهم‌اند، بخشی از آتشکده به نام «یزشنگاه» اختصاص یافته است که در مرتبه بالایی از تقدس و پاکی قرار دارد و پارسیان به آن «پاومحل»^۲ نیز می‌گویند.

تفاوت‌ها و دگرگونی‌های رسوم زرتشتیان

تفاوت در صورت ظاهری رسوم، میان زرتشتیان روستاهای مختلف یزد، و یا زرتشتیان یزد و کرمان گاه بسیار چشم‌گیر است. از آنجاکه آیین‌های زرتشتی پیوندی تنگاتنگ با تقویم دارد، بخشی از این تفاوت‌ها به دلیل گوناگونی و تغییرات تقویم است. برای نمونه نوروز و جشن رپیتوین که هر دو باید در یک زمان برگزار شوند، نزد زرتشتیانی که تقویم بدون کبیسه را نگاه می‌داشتند، از هم فاصله گرفته‌اند. جشن رپیتوین که جشنی دینی است و باید در پایان زمستان و در پنج روز نخست ماه فروردین برگزار شود، با عقب‌نشینی تقویم بدون کبیسه، به ماه تیر (در تقویم رسمی) منتقل شده است، در حالی که دلیل برگزاری این جشن،

۱. «پرنگین» (دری زرتشتی: prngin) واژه‌ای است به گویش بهدینان یزد و کرمان، به معنی «نیم‌خورده» (سروشیان، جمشید، صص ۳۰، ۱۱۸) و به معنی آب یا خوراکی است که کسی آن را به دهان برده باشد. ظروف و مواد غذایی پرنگین، در سفره‌های آیینی به کار نمی‌رود. هم‌چنین با دست پرنگین، یعنی دستی که بعد از خوردن غذا شسته نشده است، به مکان‌های مقدس مانند آتشکده نمی‌روند (Boyce, M., A *Persian Stronghold...*, p.67).

۲. موبدان پارسی در مراسم آیینی مانند یسناخوانی برای بیان درجات و مراتب پاکی سه واژه را به کار می‌برند: صاف (گجراتی: sāf)، پاک (گجراتی: pāk)، پاو (گجراتی: pāw). نخستین مرحله، «صاف کردن» لوازم قبل از شروع مراسم با خاکستر آتش و آب است. این لوازم بعد از سه‌بار شستشو با آب، «پاک» می‌شوند و همه این لوازم و محتویات آنها مانند آب، عصاره هوم، شاخه انار و نان درون با خواندن *اوستا* «پاو» می‌شوند که بالاترین درجه پاکی است. نک:

Kotwal, F.M & J.W. Boyd, *A Persian Offering, The Yasna: A Zoroastrian High Liturgy*, Paris, 1991, pp.141-142.

بازگشت ایزد ریپتوین است که در پنج ماه زمستان بزرگ، در زیر زمین به نگاهداری از ریشهٔ درختان و گرم نگه داشتن آب‌های زیرزمینی مشغول است و در آغاز بهار طبیعت بار دیگر به روی زمین باز می‌گردد. این آیین، در گذر زمان، بیش از آن که به اسطوره و معنای خود وفادار بماند، به تقویم دینی وابسته مانده است که حقیقتاً هم نزد زرتشتیان سنتی بسیار مهم است و نوروز به عنوان جشنی ملی و مردمی که از رستاخیز طبیعت معنا گرفته، همواره با تقویم رسمی کشور همراهی کرده است. زرتشتیان قدیمی نیز، که از تقویم قدیمی بدون کیسه پیروی می‌کردند، نوروز را براساس تقویم رسمی جشن می‌گرفتند و در آغاز فروردین تقویم قدیمی، تنها مراسم دینی گاهنبار پنجه، دادگاه پنجه و ریپتوین را به جای می‌آوردند و سفرهٔ نوروزی نمی‌گسترده.

دلیل دیگر گوناگونی رسوم، به ۱۴۰۰ سال تاریخ پر فراز و نشیب زرتشتیان پس از اسلام باز می‌گردد. آگاهی ما از این دوران نسبتاً طولانی بسیار اندک است. دین زرتشتی که در زمان ساسانیان به وسعت تمام ایرانشهر گسترش داشت، در سده‌های پس از اسلام در بخش‌هایی از ایران تمرکز بیشتری یافت. احتمالاً در سدهٔ سیزدهم و اوایل سدهٔ چهاردهم میلادی بود که بازماندهٔ زرتشتیان ایران در اطراف شهرهای کویری یزد و کرمان سکنی گزیدند^۱، و موبدان موبد زرتشتی در ترک‌آباد، روستایی دورافتاده در گوشهٔ شمال غربی یزد، مستقر شد. از آن به بعد اطلاعی دربارهٔ زرتشتیان سیستان، خراسان و آذربایجان در دست نیست. گویا زرتشتیان نقاط دیگر ایران که توانستند از هجوم مغولان جان سالم به در برند، نزد زرتشتیان یزد و کرمان پناه گرفتند.^۲ تا عهد صفویه در اصفهان نیز بهدینانی می‌زیسته‌اند، اما در قتل‌عام اصفهان در سال ۱۶۹۹ میلادی، تنها تعدادی از ایشان زنده ماندند که به یزد گریختند و در خرمشاه و محمدآباد و تفت ساکن شدند. گروهی از زرتشتیان کرمان نیز در اصل به یزد تعلق دارند، مثلاً مردم جوپار کرمان که اصولاً یزدی‌اند.^۳

۱. مزداپور، کتابون، زرتشتیان، صص ۵۲-۵۴؛ بویس، مری، زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمهٔ عسکر

بهرامی، تهران، ۱۳۸۴ش، ص ۱۹۵.

۲. همو، زردشتیان، باورها...، ص ۱۹۷.

۳. مزداپور، کتابون، زرتشتیان، ص ۵۶.

بنابراین، در حدود هفتصد سال پیش یزد و کرمان مرکز بهدینانی بوده‌اند که از تمامی نقاط ایران به آن‌جا پناه آورده بودند. ما از شمار این زرتشتیان، مکان دقیق استقرار آنها و جزئیات آداب و رسومشان آگاه نیستیم. چندین سده هم‌نشینی زرتشتیانی که از نقاط مختلف ایران در بخش‌هایی محدود از این سرزمین پهناور گردهم آمده بودند، سبب شد تا مراسمی نسبتاً یک‌دست پدید آید. اما این یکپارچگی، نسبی است. در روستاهایی مانند چم، زین‌آباد، تفت و مبارکه که در فاصله نزدیکی از هم قرار گرفته‌اند، برگزاری آیین‌ها شباهت بیشتری به هم دارند، اما این مراسم مثلاً با مراسم روستای شریف‌آباد و حسن‌آباد که در فاصله‌ای نسبتاً دورتر قرار گرفته‌اند، تا حدودی متفاوت است. به همین نسبت میان برگزاری آیین‌های دینی در یزد و کرمان تفاوت‌های بیشتری دیده می‌شود.

برای نمونه در روستای چم، زین‌آباد، تفت و مبارکه در پنج روز جشن مهرگان (روز مهر تا وِره‌رام) آیینی به نام «گِشتِ مه‌رایزد» برگزار می‌شود که هنوز هم زنده است و در روستاهای دیگر یزد انجام نمی‌شود^۱ و در شریف‌آباد، مراسم فروردیگان یا پنجه‌آخر سال با رسومی ویژه همراه است که در هیچ یک از روستاهای دیگر یزد دیده نمی‌شود و آن، ساختن مجسمه‌های گلین مانند عروسک، شتر و آتشدان، و سفید کردن آنهاست که باید آن را رسمی بسیار کهن به شمار آورد. نمونه دیگر، تفاوت در برگزاری «جشن سده» است که گویا از قدیم دو تاریخ برای آن وجود داشته است: یکی صد روز پیش از اول فروردین و بازگشت ایزد ریتوین به روی زمین، و دیگری صد روز پس از رفتن ایزد ریتوین یعنی اول ماه آبان.^۲ نخستین سده، که بنابر تقویم زرتشتی در روز آشتاد و آذرماه قرار می‌گرفت، در روستاهای مختلف به نام‌های گوناگونی شهرت داشت. اهالی شریف‌آباد آن را «هیرمبا» (دری زرتشتی: *hirombā*)، مردم اِله‌آباد و نرسی‌آباد آن را «هییدگ» (دری زرتشتی: *hibidōg*) و بهدینان خرمشاه این جشن را «شاخ‌شاخِ دُرَبند» می‌نامیدند و از برگزاری آن در روستاهای دیگر اطلاعی در دست نداریم.^۳ اکنون تنها مردم روستای شریف‌آباد «هیرمبا»

۱. نک: هیربد، شهریار، «نگاهی به آیین‌های زرتشتیان یزد، گِشتِ مه‌رایزد»، هفته‌نامه امرداد، س ۷، ش ۱۵۳، ۱۳۸۵ش، ص ۳.

2. Boyce, M., "The Two Dates of the Feast of Sada", *Farhang-e Iran-Zamin*, 21, 1-4, 1976, pp.25-40.

۳. گشتاسب، فرزانه، «گاو ریتوین...»، ص ۳۱.

را صد روز مانده به اول فروردین قدیم برگزار می‌کنند و بقیه بهدینان یزد و کرمان جشن سده را بنابر تقویم رسمی، صد روز پس از اول آبان یعنی در دهمین روز بهمن به جای می‌آورند.

نتیجه

مطالعه آداب و رسوم و مناسک آیینی، به ویژه در مطالعه ادیان نقشی مهم و حیاتی دارد، شاید به این دلیل که مراسم آیینی از یک سو با اعتقادات و باورهای دینی پیوند عمیق دارند و در واقع نمایان‌ترین تجسم عینی آن باورها به شمار می‌آیند و از سوی دیگر رفتار و کنش اجتماعی پیروان آن دین را آشکار می‌سازند. این مناسک و آیین‌ها را مانند هر موضوع دیگری، هم می‌توان به طور کلی و با حفظ روابط میان اجزای آن مورد بررسی قرار داد و هم می‌توان آن‌ها را به عنوان واحدی مستقل، ولی متشکل از اجزای کوچک‌تر در نظر گرفت و جزئیات رسوم را مقایسه و مطالعه کرد.

در این مقاله، رویکرد دوم مورد توجه قرار گرفته و کوشش شده است با شناخت و معرفی اجزای آداب و رسوم جامعه زرتشتیان ایران، تفاوت رسوم ایشان در نقاط مختلف ایران و هم‌چنین دگرگونی آن‌ها در طی زمان، مورد تأمل و بررسی قرار گیرد.

منابع

- الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، ۱۳۸۵ش.
- بویس، مری، زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، ۱۳۸۴ش.
- پورداد، ابراهیم، خرده‌اوستا، بمبئی، ۱۳۱۰ش.
- سروشیان، جمشید، فرهنگ بهدینان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۵۶ش.
- سروشیان، مهوش، «خوراک‌های آیینی و سنتی زرتشتیان در ایران»، سروش پیر مغان، یادنامه جمشید سروشیان، به کوشش کتابیون مزداپور، تهران، ۱۳۸۱ش.
- شایست ناشایست، ترجمه کتابیون مزداپور، تهران، ۱۳۶۹ش.
- فرنیغ دادگی، بندهش، ترجمه مهرداد بهار، تهران، ۱۳۶۹ش.
- گشتاسب، فرزانه، «بررسی چند واژه آیینی در آداب و رسوم دین مزدیسنی»، نامه انسان‌شناسی، س ۹، ش ۱۵، ۱۳۹۰ش.
- همو، «ستایش زندگی، آیین درگذشتگان و باور مزدیسنان»، فروهر، س ۴۶، ش ۴۵۲، ۱۳۹۱ش.

- همو، «گاهِ رَپیتوین، زمانِ آرمانی در دینِ مزدیسنی»، *زبان‌شناخت*، س ۲، ش ۲، ۱۳۹۰ش.
 - مزداپور، کتابیون، «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران»، فرهنگ، س ۱۷، ش ۲، پیاپی ۴۹-۵۰، بهار و تابستان ۱۳۸۳ش، صص ۱۴۷-۱۷۹.
 - همو، «نیایش برای درگذشتگان»، *سروش پیر مغان، یادنامهٔ جمشید سروشیان*، به کوشش کتابیون مزداپور، تهران، ۱۳۸۱ش.
 - همو، *زرتشتیان*، تهران، ۱۳۸۲ش.
 - *هادخت نسک*، ترجمهٔ مهشید میرفخرایی، تهران، ۱۳۸۶ش.
 - هیربد، شهریار، «نگاهی به آیین‌های زرتشتیان یزد، گشت مهرایزد»، *هفته نامهٔ امرداد*، س ۷، ش ۱۵۳، ۱۳۸۵ش.
-
- Boyce, M., *A Persian Stronghold of Zoroastrianism*, Oxford, 1977.
 - Idem, "Rapithwin, Nō Rūz and the Feast of Sade", *Pratidānam, Studies Presented to F.B.J. Kuiper*, J.C. Heesterman et al.(eds.), The Hague, 1969.
 - Idem, "The Two Dates of the Feast of Sada", *Farhang-e Iran-Zamin*, 21,1-4, 1976.
 - Idem, "The Zoroastrian Houses of Yazd", *Iran and Islam: In Memory of V. Minorsky*, C.E. Bosworth(ed.), Edinburg, 1971.
 - *Darab Hormozyar's Rivayat*, M.R.Unvala(ed.), 2 vols, Bombay, 1922.
 - Dhabhar, B. N., *Zand-i Khūrtak Avistāk*, Bombay, 1927.
 - Kotwal, F.M & J.W. Boyd, "Āfirīn", *Encyclopædia Iranica*, Ehsan Yarshater(ed.), California, 1985.
 - Idem, *A Persian Offering, The Yasna: A Zoroastrian High Liturgy*, Paris, 1991.
 - Kotwal, F.M. & P.G. Kreyenbroek, *The Hērbedestān and Nērangestān*, (3 vols), Paris, 1992- 2003.
 - Modi. J.J., *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, Bombay, 1995.